

حامد حجت خواه

از چشم اندازِ نیچه



فهرست

۷	پیش درآمد
۱۳	جهت‌نمایِ خواستِ قدرت
۳۱	پیش‌برنده‌ها و بازدارنده‌ها
۱۳۵	'یک‌بارِ دیگر تا جاودان'
۱۹۳	کتاب‌نامه

یادداشت نویسنده

زبان‌نگاره‌ی کتاب پیش‌روی را — در حدّ توان — به شیوه‌ی زبان‌نگاره‌ی کارآمد و ارزنده‌ای درآورده‌ام که داریوش آشوری بنیاد نهاده است. ویژگی‌های این زبان‌نگاره را می‌توان از زبان استاد در دیباچه‌ی چنین گفت زرتشت (نشر آگه) و یا در بازاندیشی زبان فارسی (نشر مرکز) بازجست، از جمله /سی/ پایانی برای یای نکره و وحدت و جدا کردن‌اش از دیگر گونه‌های /سی/. زبان‌نگاره‌ی پیشنهادی داریوش آشوری به‌راستی که کار کتاب‌خوانی را آسان کرده و بی‌گمان تنها برای بهره‌برداری شخصی نبوده است؛ و می‌تواند سرمشق باشد.

پیش‌درآمد

۱

چنین گفت زرتشت را اگرچه برخی از نیچه‌پژوهان به بهانه‌ی درآمیختگی با شعر، از قلمرو فلسفه جدا می‌شمارند، اما باید پذیرفت که بنیادی‌ترین اندیشه‌های نیچه در بستر همین زبان ادبی-فلسفی بالیده و به پدیدارگری رسیده است. رهیافت به نهفت و درون‌مایه‌ی این اثر در گرو شناخت ساختارهایی است که بازگوینده و برپادارنده‌ی این گونه از اندیشه‌ورزی تواند بود. کلام و محتوا گاه چنان در هم تنیده می‌شوند که هر کدام به‌تنهایی سنجیدنی نیستند. در چنین گفت زرتشت سخن همان اندیشه است، نه بدان‌سان که فکر در قالب کلام ریخته شده باشد. فلسفه‌ی نیچه سبک‌پاست و شادمانه به رقص برمی‌خیزد. زبان خشک و سنگین و ملال‌آوری که پیش از نیچه به نام زبان فلسفی نزد اهل فلسفه به رسمیت شناخته و نهادینه شده بود، نمی‌توانست خواست نیچه را که رقص با قلم بود، برآورد: «توانایی رقصیدن با پاها، با مفهوم‌ها، با واژه‌ها؛ آیا باز هم نیازی به گفتن آن هست که رقص با قلم را نیز می‌باید دانست؟» (نیچه، ۱۳۸۱: ۹۴)

فلسفه‌ی نیچه با پاهای ادبیات می‌رقصد و شعر و فلسفه در آثار او تا به حدّی با هم درمی‌آمیزند که یکی می‌شوند و گسست‌ناپذیر. فیلسوف‌شاعر نامیدن نیچه، نه به این معناست که او نیم‌فیلسوف است و نیم‌شاعر! این عنوان ناگزیری است برای اندیشمندی که برجسته‌ترین اثرش آمیزه‌ای از شعر و فلسفه است، چنان که نمی‌توان در زبان او این دو عنصر را از هم بازشناخت و حساب هر یک را جدا کرد. با نیچه دوران جدیدی از فلسفه‌ورزی آغاز می‌شود. او در کتاب‌های دیگرش نیز از زبان رایج و رسمی فلسفه دوری می‌گزیند و رقص با